

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

نویسنده: بیل وون اوکن
برگردان از: حمید محوی
۲۹ جون ۲۰۱۴

کودک آزاری توسط دولت ایالات متحده امریکا آزار و اذیت کودکان مهاجر توسط واشینگتن



از سال ۱۹۰۳، کشتی‌هایی که نسلی از مهاجران را بر عرشه خود حمل می‌کردند، هنگام ورود و پیش از پانهادن بر سکوی بندر نیویورک از مقابل مجسمه نمادین آزادی عبور می‌کردند.

بر پایه مجسمه قطعه شعری از اما لازاروس Emma Lazarus نوشته شده که امیدها و آرزومندی‌های این ده‌ها میلیون انسانی را بازتاب می‌دهد که از اختناق و سرکوب دنیای قدیم به دنیای تازه پناه آورده بودند :

« به من دهید، بی‌نویان خسته تان را،

که در صفوف به هم فشرده آرزومند زندگی آزاد هستند،

انبوه بینوا متروک شدگان سواحل تان را به من دهید »

امروز این قطعه شاعرانه لازاروس به مثابه نقد گزنده سیاست مهاجرت خوشنیتبار و غیر انسانی تلقی می‌شود که از طرف دولت اوپاما در رابطه با کارگران مهاجری به کار برده می‌شود که سعی می‌کنند وارد ایالات متحده شوند. بین این مهاجران ده‌ها هزار کودک دیده می‌شود که از کشورهای امریکای مرکزی می‌آیند. و باید دانست که این کشورها غالباً طعمه جنگ و فقر هستند.

در اغلب موارد، آنهایی که بازداشت شده اند، و به اردوگاه های حفاظتی که به شکل موقتی بر پا کرده اند و فاقد امکانات ضروری می باشد فرستاده شده اند، کودکان بی همراهی هستند که برای پیوستن به والدینشان که در ایالات متحده زندگی می کنند، آمده اند.

سیاست واشینگتن بر اساس بزهکار دانستن مهاجران و در نتیجه تحت فشار قرار دادن آنها است. این سیاست غیر انسانی دهشتناکترین جلوه گاه خود را، هفته گذشته، در کشف گورستان جمعی، جایی که اجساد مهاجرانی که جانشان را هنگام عبور از مرز ایالات متحده از دست داده بودند، به نمایش گذاشت. اجساد سه تا سه تا در کیسه های مخصوص اجساد یا ساک زباله، ساک های مخصوص زباله های مسموم و حتی ساک سوپر مارش بسته بسته شدند کاری که با حیوانات نیز چنین رفتار نمی کنند و برآستی که این صحنه به شکل تلخ و طنز آمیزی قطعه شعر لازاروس را تداعی می کند :

« بینوا مترو د شدگان »

اگر این گورستان جمعی در روسیه، یا چین و یا ایران کشف می شد به روشنی می توانیم واکنش رسانه های بزرگ را تصور کنیم. ولی از آنجائی که این گورستان جمعی شرم آور در ایالات متحده کشف شده، طبیعی است که رسانه ها به شکل گسترده از چنین واقعه ای بی اطلاع باشند.

در این مدت، بر اساس ارقام دولتی، از ماه اکتوبر سال گذشته، حدود ۵۲۰۰۰ نفر خردسال زیر سن قانونی، بدون همراه، وارد ایالات متحده شده اند (و ۳۹ هزار نفر بزرگسال همراه با بچه). مهاجران یا پناهندگان در شرم آورترین شرایط بازداشت شده اند، آنها را در انبارهایی که بدون پنجره و بدون امکانات بهداشتی و نظافتی مناسب و محصور به سیم خاردار حبس کرده اند، بدون پزشکی و بدون فضای کافی برای خواب. یک روزنامه آریزونائی نوشته است که مرکز حفاظتی نوگالس Nogales « ظاهراً شبیه مناطق ذخیره احشام برای مراسم دولتی است. »

این خجالت ملی به عنوان بحران مهمی تلقی شده و در حدی که امنیت را مورد تهدید قرار داده است. قانونگذاران جمهوری خواه برای گسیل سربازان گارد ملی به مرز مکزیکی فراخوان صادر کرده اند، و از سوی دیگر تگزاس طرح « افزایش حد اکثر » شمار سربازان دولتی در مرزهای دولت را برای پی گرد کودکان مهاجر اعلام کرده است. کاخ سفید – اوباما در رابطه با این بحران بشری که خودش آن را با به کار بستن شیوه های اختناق و سرکوب پولیسی ایجاد کرده بود، واکنش نشان داد. کاخ سفید قول داده است که مراکز محافظتی جدیدی برای کودکان ایجاد کند و با افزایش مأموران، قضات و وکلاء برای تسریع اخراج از کشور « روند اخراج را افزایش دهد ».

وجه دیگر واکنش دولت اوباما تشدید موازین پولیسی در امریکای مرکزی، تا حدود زیادی در اشکال بیش از ۲۰۰ میلیون دالر کمک برای نیروهای امنیتی سالوادور، گواتمالا و هندوراس (۱).

در هر یک از این کشورها، نیروهای فشار و اختناق کشور در راستای پنتاگون حرکت می کنند، از سوی دیگر واشینگتن به جنگ های خونبارش علیه طبقه کارگر و بی نوایان روستاها ادامه می دهد، یعنی جنگ هایی که به بهای ۲۵۰۰۰۰ نفر در گواتمالا و نزدیک ۷۵۰۰۰ در سالوادور تمام شده است (۲). در هندوراس، اسکادران مرگ به پشتیبانی سیا آنهایی را که با رژیم های نظامی مخالف بودند دائماً به قتل رسانده است. این اسکادران های مرگ پس از کودتای ۲۰۰۹ به پشتیبانی ایالات متحده که به سرنگونی رئیس جمهور خوزه مانوئل زلایا روزالس José Manuel Zelaya شد، کارشان را سر گرفتند، و در مقام آدمکشی، هندوراس را به نخستین جایگاه در جهان رساندند.

شرایط فقر، ستم و خشونت عمیق در این کشور حاصل یک قرن ستم دائمی امپریالیسم امریکا بوده است. این روند تنها به دلیل جنگ افروزی ها و حکومت دیکتاتورها نبوده، بلکه در عین حال به دلیل تسلط اقتصاد سرمایه داری امریکا نیز

بوده است و حاصل این تسلط امپریالیستی امریکا چیزی به جز نازل شدن سطح زندگی، بیکاری و نابرابری اجتماعی نبوده است که از بالاترین درجه شکاف در این نیمکره برخوردار می باشد.

کاخ سفید و اوباما از امتیاز شنیعی مسرور است، زیرا بیش از هر دولت دیگری افراد را اخراج کرده است (بیش از ۲ میلیون نفر). تنها در دور اول ریاست جمهوری اوباما ۱۰۶۰۰۰ نفر را به گوآتمالا، هندوراس و به سالوادور اخراج کرده است. این اخراج ها در شرایط غیر انسانی صورت گرفته و با جدا سازی خانواده ها و محروم ساختن کودکان از تأمین اقتصادی و عاطفی همراه بوده است.

در حال حاضر، راه حلی که ایالات متحده در پیش گرفته تشدید اقدامات سرکوبگرانه است. این راه حل، تقویت امنیت و اخراج می باشد، به انضمام «اصلاحات کامل سیاست مهاجرت»، یعنی پیشنهادی دو وجهی که عبارت است از نظامی سازی مرزها و گران ترین موازین کسب تابعیت برای بخش کوچکی از کارگران مهاجر.

ولی باید دانست که سیاست الیگارشالی مالی امریکا در رابطه با مهاجران، جلوه گاه رفتار کلی آن در رابطه با طبقه کارگر است که کارگران خارجی محروم ترین و ستم دیده ترین اقشار آن تشکیل می دهند. طبقه حاکم از کارگران مهاجر به عنوان منبعی برای نیروی کار ارزان بهره برداری می کند و هم زمان از آنها به عنوان بهانه ای برای کاهش دست مزد و اخراج، سوء استفاده می کند، یعنی شیوه ای که در بنیاد بهره کشی نظام سرمایه داری حک شده است (یعنی اخراج و کاهش دست مزد).

سیاست امریکا در زمینه مهاجرت، خشن و همگام با سیاست خارجی بوده که بنیادهای آن بر اساس خشونت نظامی و اقدامات امنیتی است و تنها می تواند شایسته یک دولت پولیسی و سرکوبگر در درون کشوری باشد که بیش از هر زمان دیگری در حال گسترش است.

دفاع از حقوق کارگران مهاجر برای زندگی و کار در کشور انتخابی شان، بی هیچ تبعیضی، یک بخش جدائی ناپذیر از مبارزه برای دفاع از سطح زندگی، کار و حقوق بنیادی تمام طبقه کارگر است. کارگران باید خواستار آزادی کودکان مهاجر از زندان های امریکا شوند و علاوه بر این بخواهند که تمام کارگران بی جواز از حقوق شهروندی برخوردار شوند.

کارگران ایالات متحده بی آن که با کارگران امریکای مرکزی و تمام جهان متحد شوند، نمی توانند به شکل مؤثر علیه شرکت های بزرگ و بانک هائی مبارزه کنند، که برای انتقال سرمایه از یک کشور به کشور دیگر در جست و جوی نیروی کار ارزان قیمت و برای بهره برداری بیشتر، به پاسپورت یا ویزا نیاز ندارند.

Bill Van Auken

Article original ,WSWS ,paru le 24 juin 2014

www.mondialisation.ca/persecution-par-washington-denfants-immigres/5388682" data-bbox="147 696 849 715" data-title="Persécution par Washington d'enfants immigrés"<

آدری الکترونیک متن اصلی

<http://www.mondialisation.ca/persecution-par-washington-denfants-immigres/5388682>

یادداشت های مترجم :

(۱) در مکزیک و اغلب کشورهای امریکای مرکزی به دلیل وجود شبکه های قدرتمند مواد مخدر، اغلب پولیس ها و خاصه آنهایی که عالی رتبه هستند، با مافیای مواد مخدر کار می کنند، و اساساً پولیس جزئی از مافیای مواد مخدر است

و دائماً پولیس ها قربانی همین بند و بست ها می شوند، و کوتاه سخن، و در نتیجه اوپاما می خواهد به قاچاقچیان مواد مخدر کمک مالی کند.

(۲) متأسفانه بیل وون اوکن نویسنده مقاله از جنگ مافیایها در مکزیک یاد نکرده است که آن را باید خونبارترین جنگ مافیائی تلقی کنیم، با ده ها هزار قربانی، حتی بیش از تعداد قربانیان جنگ در سوریه.

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۸ جون ۲۰۱۴

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۲۶ جون ۲۰۱۴